

## ستم‌کشی و مبارزه زنان

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

مطلبی که در زیر ملاحظه می‌کنید، بخش‌هایی از سخن‌رانی به مناسبت ۸ مارس است که در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۴، از سوی کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران، در «پالتاک، اتاق کردستان، پیشرو و سوسیالیسم برگزار گردید.

### مقدمه

به همه دوستانی که از کشورهای مختلف در این بحث حضور دارند، خوش‌آمد می‌گویم. در مقطع هشت مارس ۲۰۰۴، روز جهانی زن هستیم و سه روز دیگر این روز در همه جهان، گرامی داشته خواهد شد. من در این جا به نوبه خودم و همه رفقایم در حزب کمونیست ایران و کومه‌له، این روز فرخنده را به همه انسان‌های آزادی‌خواه، برابری‌طلب و کارگران و کمونیست‌ها تبریک می‌گویم. با امید این که روزی از تاریخ بشر فرارسد که ما، در هیچ نقطه‌ای از جهان، شاهد تبعیض و ستم بر زنان نباشیم. همچنین از رفیق صدیقه محمدی، عضو کمیته مرکزی کومه‌له، که قرار است این بحث را با هم پیش ببریم تشکر می‌کنم.

آگاهیم که روز ۸ مارس ۱۸۷۵ زنان کارگر صنایع نساجی نیویورک، در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و شرایط سخت و غیرانسانی کار، دست به تظاهرات زدند. پلیس، این تظاهرات را شدیداً سرکوب کرد. اما با این وجود مبارزه زنان کارگر ادامه پیدا کرد.

کنگره بین‌الملل سوسیالیست‌ها که در سال ۱۸۱۰ در کپنهاگ برگزار شد، ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن به کنگره تصویب کرد. از آن تاریخ، میلیون‌ها زن در سراسر جهان، با برپایی کنفرانس‌ها و تظاهرات‌هایی بر حق و حقوق و برابری واقعی زن و مرد در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پافشاری کرده‌اند.

بدین ترتیب، تا همین حد از حقوق زنان که به سیستم بورژوازی و به ویژه در غرب تحمیل شده است، بدون مبارزه برابری‌طلبی زنان و جنبش کارگری و کمونیستی، امکان‌پذیر نمی‌بود. در هر صورت مطالعه تاریخ مبارزه زنان، افت و خیزهای جنبش زنان و بررسی نقاط ضعف و قوت این جنبش، از جمله در ایران، امری ضروری برای پیشرفت جنبش زنان است.

اساساً جنبش زنان، جنبشی جهان‌شمول است که تاریخ آن با تاریخ جنبش کارگری و سوسیالیستی گره

خورده است. از این رو با رشد و گسترش جنبش کارگری و سوسیالیستی، جنبش زنان نیز بیش از پیش واقعی تقویت شد.

در حاکمیت رژیم‌هایی نظیر رژیم جمهوری اسلامی ایران، زور و ستم بر زنان، حد و مرز ندارد. آنچه که بر زنان ایران در قرن اخیر گذشته است، غیر از سه دوره کوتاه، یعنی در دوران مشروطیت، قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و همچنین دوره کوتاهی پس از انقلاب ۵۷، که نسبتاً اندکی فضای باز سیاسی وجود آمده بود، همواره زنان زیر ستم گرایش‌های غیرانسانی مذهبی، مردسالاری و ناسیونالیستی قرار داشته‌اند.

مسئله جنبش زنان ایران، باید از تجارب جنبش‌های زنان کشورهای دیگر استفاده کند و تا آن جا که امکان‌پذیر است در ارتباط با این جنبش‌ها قرار گیرد. باید دید که کدام تجارت و سیاست‌های اجتماعی به نفع جنبش‌های زنان و برابری واقعی زن و مرد است؟ قطعاً تجارب مبارزات زنان غرب، نه تنها برای فعالیت زنان ایران، بلکه برای زنان قاره‌های دیگر نیز مفید و موثر است. زنان پیشرو و آگاه و برابری طلب نقش و وظایف مهمی در انتقال این تجارب به عهده دارند.

دست کم در تاریخ صد سال اخیر ایران، فرهنگ مردسالاری، گرایش‌های خرافی ناسیونالیستی و مذهبی، در رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی مانع بزرگی بر سر راه و رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، به ویژه زنان، به وجود آورده است.

### **جنبش زنان در دوران انقلاب مشروطیت**

مطلع هستیم که حضور زنان در انقلاب مشروطیت چندان گسترده نبود. چرا که مردسالاری و خرافات مذهبی چنین اجازه‌ای را به زنان نمی‌داد تا دوش به دوش مردان در امر مبارزه سیاسی و اجتماعی دخالت فعال داشته باشد. بیش‌تر حرکت‌های اجتماعی زنان، در این دوره دنباله‌روی از فعالیت‌های سیاسی مردان بود.

در این دوره، فقط اقلیتی از زنان، از طریق فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی و حضور در مجامع کوچک و محدود در مسایل اجتماعی و فرهنگی دخالت داشتند و اقشار وسیع‌تری از زنان، در این فعالیت‌ها حضور نداشتند. عدم حضور گسترده زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، ریشه در افکار مردسالاری و ملی و مذهبی دارد. اما در هر صورت حرکت‌های اجتماعی زنان در خیابان‌ها و شعارهای آن‌ها، در آن دوره حرکتی کاملاً جدید بود و قبل از آن چنین حرکت‌هایی در ایران وجود نداشت. بنابراین دخالت زنان در حرکت‌های سیاسی دوران مشروطیت، با وجود شعارهای عقب‌مانده گامی به پیش بود.

بدین ترتیب اگر چه حرکت های زنان در انقلاب مشروطیت را نمی توان حرکت هایی گسترده و پیشرو نامید؛ اما همان حرکت ها با کلیه ضعف هایش شرایطی را فراهم آورد که زنان برای اولین بار از چهار دیواری خانه بیرون بیایند و پایه حرکت های بعدی خود را بنیان گذاری کنند.

زنان، از دوران مشروطیت تا دوران قدر قدرتی رضا خان میرپنج و کودتای او، علی رغم همه موانع و مسایلی که بر سر راهشان بود، به فعالیت های متنوعی از روزنامه نگاری، نویسندگی، ترانه سرایی تا برپایی تشکل های خود مشغول بودند. زنان، خواهان آزادی، لغو حجاب، لغو چند همسری و خواهان حق رای و رفتن دختران به مدرسه و خواهان دخالت در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی شدند. روز به روز بر تعداد زنان فعال و تشکل های آنان افزوده شد. البته در جنبش زنان کم نبودند مردان چپ، سوسیالیست، آزادی خواه و برابری طلبی که برای رهایی زنان و برابری واقعی زن و مرد مبارزه می کردند. حزب کمونیست اول، پیگیرترین جریان مدافع زنان در آن دوره بود. جنبش زنان، مانند جنبش های دیگر نظیر جنبش کارگری مسیر مبارزه خود را برای برداشتن گام های بزرگ طی می کرد که ناگهان با کودتای رضا خان میرپنج روبه رو گردید و مسیر حرکت شان بسته شد. زنان فعال جنبش زنان، به ویژه زنان سوسیالیست، ناچارا به فعالیت های مخفی روی آوردند.

### **فعالیت زنان در دوره خانواده پهلوی**

دوران سلطنت دیکتاتوری رضا شاه، از سال ۱۳۰۰ آغاز شد و تا ۱۳۲۰ ادامه پیدا کرد. رضا شاه در این سال ها با اتکا به میلیتاریسم و سیاست های فاشیستی، نه تنها جلو جرکت سیاست های آزادی خواهانه و دمکراتیک را گرفت، بلکه آن چه را که مردم تحت ستم در اثر مبارزه در دوره مشروطیت به دست آورده بودند، نابود کرد و هرگونه مقاومتی را نیز بی رحمانه در هم شکست و به دیکتاتوری تبدیل شد که حتا مخالفین و روزنامه نگاران معترض را مستقیما زیر ضرب و شتم قرار می داد.

رضا شاه در سفر به ترکیه، با مدرنیسم آن کشور و سیاست های آتاتورک آشنا شد. وی در بازگشت به ایران، ظاهرا خواست سیاست های آتاتورک را الگو قرار دهد و آن ها را در جامعه ایران نیز پیاده کند. وی از جمله به «کشف حجاب» دست زد تا به زعم خود از یک طرف ابتکار عمل را از دست زنان و مردانی که برای آزادی و برابری زن و مرد مبارزه می کردند، خارج کند و از طرف دیگر با سرکوب و کشتار سیاست های خود را پیاده کند. رضا شاه، در سرکوب وحشیانه جنبش های آزادی خواه، پیشرو و مترقی زنان و کارگران و به طور کلی گرایش چپ جامعه، از هیچ جنایتی فروگذار نبود.

رضا شاه، به زور سرنیزه تشکل های زنان را از هم پاشاند. زنان فعال اجبارا خانه نشین شدند. کشف

حجاب، سبب شد که گرایش ارتجاعی، مردسالاری و فاشیستی دست بالا را گرفت. زیرا هر مسئله‌ای که با زور و ستم و خشونت همراه شود، نتایج فلاکت‌بار اجتماعی به بار می‌آورد. بنابراین بر خلاف تاریخ‌نویسان فرمایشی، کشف حجاب رضا شاه، نه تنها به نفع زنان خاتمه پیدا نکرد، بلکه بر عکس جلو روند رشد و گسترش مبارزه آگاهانه، آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه زنان را نیز گرفت. بنابراین ترتیب در دوران حاکمیت رضا شاه، حرکت‌های مستقل زنان از بین رفت و جای آن را تشکل‌های فرمایشی زنان نزدیک به دربار و طرفداران سیاست‌های سرکوب‌او گرفت. از آن تاریخ زنان برابری طلب، چپ و سوسیالیست، به مبارزه و تشکل‌یابی مخفی روی آوردند و فعالیت‌هایی که تحت عنوان جنبش زنان نامیده می‌شد، توسط رژیم هدایت و کنترل می‌شد.

در دورانی که رژیم رضا خان با بحران رو به رو شد، مجدداً جنبش‌های کارگری و زنان نیز فعالیت‌های خود را از سر گرفتند. شعارهایی نظیر «مزد مساوی برای زن و مرد» و «شیرخوارگاه برای زنان کارگر»، نشان‌دهنده رشد و گسترش مبارزه طبقاتی و جدایی صف طبقاتی زنان، از زنان بورژوا است. از این رو طبیعی بود که زنان آزادی‌خواه، سوسیالیست و کارگر صف طبقاتی خود را از صف زنان بورژوا جدا کنند. این فعالیت‌ها تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یعنی کودتای محمدرضا شاه پسر ادامه یافت.

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با همکاری سازمان‌های پلیس مخفی آمریکا و بریتانیا، سازمان‌دهی شد؛ بار دیگر کودتاگران، جنبش‌های اجتماعی را به شدت سرکوب کردند و بسیاری از فعالین جنبش کارگری کمونیستی را دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام نمودند. تشکل‌های مستقل زنان را نیز برچیدند.

در سال ۱۳۲۷ «شورای عالی سازمان زنان» تحت ریاست اشرف پهلوی، خواهر محمدرضا شاه، و یکی از عناصر مهم کودتا، تشکیل شد. چند سال بعد، به «سازمان زنان ایران» تغییر نام یافت. در این دوره به مراتب سخت‌تر از دوره قبل، رژیم پهلوی فعالیت‌های زنان را تحت اتوریته خود درآورد و خارج از سیاست‌های رسمی حکومت، هرگونه فعالیت مستقلی را به شدت سرکوب کردند و فعالین آن‌ها را تحت تعقیب پلیسی قرار دادند. برای مثال برگزاری هشت مارس، روز جهانی زن، در دوره خانواده پهلوی ممنوع بود و زنان و مردان برابری طلب این روز را مخفیانه و به دور از چشم پلیس و ساواک و عناصر رژیم برگزار می‌کردند.

زنان ایرانی، در هشتم اسفند ماه ۱۳۴۱، با مبارزه حق رای خود را به دست آوردند.

## دوره جمهوری اسلامی

زنان، در انقلاب ۱۳۵۷، در سرنگونی رژیم شاه، فعالانه شرکت کردند. آن‌ها خواهان آزادی و برای زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند. اما ضعف گرایش چپ جامعه و عدم وجود سازمان‌ها و احزاب کارگری کمونیستی آگاه و سازمان‌ده و تشکل‌های مستقل جا افتاده زنان، سبب شد که گرایش مذهبی دست بالا گرفت و گام‌به‌گام انقلاب را با کشتار وسیع انسان‌ها و سرکوب مدارس سیستماتیک زنان به خاک و خون کشید.

رفتار وحشیانه با زنان از این هم فراتر رفت و دست مردان مذهبی و مردسالار نیز در چهار دیواری منزل، بر آزار و اذیت زنان و دختران و حتا کشتن آن‌ها باز گذاشته شد. عربده‌های تحریک‌آمیز ضد زن، همواره توسط آخوندهای مرتجع از بلندگوهای نماز جمعه‌ها شنیده می‌شد. با فتوای خمینی و بنی‌صدر، به عنوان رییس جمهور، نیروهای هوایی و زمینی سرکوبگر رژیم، به کردستان حمله کردند. از جمله تبلیغات وحشیانه‌ای نیز علیه زنان مبارزی که در کردستان، به ویژه به صفوف کومه‌له پیوسته بودند و بر علیه رژیم و نیروهای سرکوبگرش با شهادت و با استقامت بی‌نظیری مبارزه می‌کردند، راه انداختند. در ادامه این جنایات، سنگسار و تجاوز به دختران «باکره» قبل از اعدام، با اتکا به قوانین مذهبی را نیز راه انداختند.

اما رژیم جمهوری اسلامی و همه جناح‌هایش، با این همه وحشی‌گری علیه زنان، موفق نشدند آن‌ها را مرعوب کنند. در ۲۵ سال گذشته با وجود این که فعالیت احزاب و تشکل‌های کارگری و زنان و دانش‌جویان مستقل در ایران ممنوع است؛ اما زنان، با وجود زن‌کشی و ستم‌های متعدد هم‌چنان به مبارزه خود ادامه دادند و حضور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را در جامعه گسترش دهند. امروز بیش از ۶۷ درصد دانش‌جویان، از جمله در رشته‌های به اصطلاح «مردانه» را زنان دانش‌جو تشکیل می‌دهد. زنان در تشکیلات‌های مختلف خود، نشریات، سایت‌های اینترنتی، به مبارزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشغولند.

## خشونت علیه زنان

سازمان عفو بین‌الملل، از امروز، جمعه پنجم مارس ۲۰۰۴ (پانزدهم اسفند ۸۲) اجرای طرحی جهانی را آغاز کرده است که آن را «خشونت علیه زنان را پایان دهیم» نام نهاده است. بنابر آمار این سازمان، خشونت علیه زنان حد و مرز فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ندارد: در هردقیقه یک زن در بریتانیا برای مقابله با خشونت خانگی درخواست کمک می‌کند، بیش از سیصد

و هفتاد زن جوان و دختر بی بضاعت که جوان‌ترین آن‌ها فقط یازده سال داشته، در شهرهای مرزی میان مکزیک و آمریکا ربوده شده، مورد تجاوز قرار گرفته و کشته شده‌اند. در آمریکا هر سال بالغ بر هفتصد هزار زن مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. در آفریقای جنوبی، خطر تجاوز جنسی دختران نوجوان بیش از هر گروه سنی دیگر است، قربانیان نیمی از قتل‌هایی که در بنگلادش رخ می‌دهد زنانی‌اند که به دست شوهران خود کشته می‌شوند.

در پاکستان، هزاران زن به بهانه حفظ ناموس به دست پدر یا برادران خود به قتل می‌رسند، عروسان هندی به جرم نداشتن جهیزیه کافی به دست شوهر خانواده سوزانده می‌شوند، در بسیاری از کشورها زنان به جرم زنا سنگسار می‌شوند. در عربستان سعودی، پانزده دختر در شعله‌های آتش سوختند چون اجازه نداشتند بدون حجاب از مدرسه خارج شوند و فقط مرد محرم می‌توانست آن‌ها را نجات دهد. برای بسیاری از زنان، حتا در جوامع ثروت‌مند، خانه محل ترس و وحشت است. همچنین بنا به آمارهای بانک جهانی، از هر پنج زن حداقل یکی در طول عمر خود کتک خورده یا مورد آزار جنسی قرار گرفته است.

سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده است که با حمایت مردم عادی، چه زن و چه مرد، به این رسوایی حقوق بشر پایان خواهد داد.

در ایران نیز مظاهری از خشونت علیه زنان و دختران در خانواده به اشکال مختلف وجود دارد. (سایت بی بی سی، چهارشنبه ۳۰ مارس ۲۰۰۴)

### **اشاره به چند نمونه از خشونت علیه زنان در ایران، در ماه‌های اخیر**

زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار مجله «رکتور روسو» که تابعیت ایرانی-کانادایی دارد بر اثر شکنجه در زندان در بیمارستان سپاه پاسداران به قتل رسید. (سایت رویداد ۲۲-۳-۸۲)

دختر ۱۳ ساله‌ای به نام نسیم، به جرم ۱۰ روز فرار از خانه به همراه دوست پسرش در شعبه ۱۱۵۸ دادگاه اطفال به ریاست قاضی فارسی، به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد. (روزنامه یاس نو، ۱۸-۴-۸۲)

سارا، ۱۸ ساله به جرم قتل در دادسرای جنائی تهران، محکوم به اعدام شد. حکم صادره از سوی دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت. (روزنامه یاس نو، ۲۶-۶-۸۲)

بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، افسانه نوروزی در معرض خطر اعدام قریب‌الوقوع قرار دارد. افسانه نوروزی، طبق گزارشات رسیده در سال ۱۹۹۷، پس از کشته شدن رییس اطلاعات نیروهای انتظامی در کیش، جنوب ایران، دستگیر شد. مجازات مرگ برای افسانه نوروزی طبق گزارشات رسیده

در ماه آگوست ۲۰۰۳ تایید شد. سازمان عفو بین‌الملل، از همه مدافعین حقوق بشر می‌خواهد با نوشتن نامه‌های اعتراضی به مقامات حکومتی در ایران لغو فوری حکم افسانه نوروژی را خواستار شوند. افسانه نوروژی، در زندان بندر عباس در جنوب ایران نگهداری می‌شود که به خاطر شرایط ناهنجار معروف است. سازمان عفو بین‌الملل تاکنون ۸۳ مورد اعدام در سال جاری در ایران ثبت کرده است، گرچه احتمال می‌رود رقم واقعی بسیار بالاتر از این رقم باشد. (اطلاعیه سازمان عفو بین‌الملل، ۳-۷-۸۲) افسانه اکنون به زندان کرج، منتقل شده است.

زینت السادات ۳۴ ساله، معروف به (سودابه) به جرم قتل، پس از محاکمه در دادگاه جنایی به دو بار قصاص و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. پس از تایید حکم از سوی دیوان عالی کشور، سحرگاه دیروز در یکی از زندان‌های تهران به دار آویخته شد. (روزنامه اعتماد، ۱۷-۷-۸۲)

اعظم طیبی، ۲۱ ساله، به اتهام پاشیدن اسید به صورت مردی برای دومین بار به دستور قاضی موسوی، رییس شعبه یکم دادگستری شهرستان بهبهان به قصاص محکوم شد. (روزنامه اعتماد، ۶-۸-۸۲)

رضوان نیری، مشاور استاندار در امور بانوان و رییس کمیته بانوان استان تهران گفت: «زنانی که با افغانه ازدواج می‌کنند، جایگاه قانونی در کشور ندارند و مشکلات قانونی برای آن‌ها به وجود می‌آید... در بسیاری از شهرهای مرزی مثل مشهد و زاهدان و جنوب شهر تهران، این موارد زیاد دیده می‌شود. (خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ۱۶-۸-۸۲)

هفت دختر و پسر جوان سرنشین یک اتومبیل به جرم آرایش غلیظ و بلند کردن صدای نوار و رقصیدن در خودرو، در انتظار عمومی پس از محاکمه در یکی از شعب دادگاه عمومی شیراز، هر کدام به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند. (روزنامه کیهان، ۲۴-۸-۸۲)

کبری رحمانپور، معروف به عروس ۲۰ ساله، دو سال پیش مادر شوهر ۹۰ ساله خود را طی مشاجره لفظی با ضربات چاقو به قتل رساند و دادگاه جنائی او را به قصاص محکوم کرد. این حکم را دادرسان دیوان عالی کشور تایید کردند و به این ترتیب دستور اجرای حکم اعدام کبری صادر شد. کبری در ۲۰ سالگی به عقد مردی ۶۵ ساله درآمده بود و پس از گذشت چند ماه مرتکب قتل مادر شوهر ۹۰ ساله‌اش شد. کبری در دفاع از خود گفت: «من در آن خانه نه یک عروس، بلکه به عنوان کلفت به سر می‌بردم و مجبور بودم سرکوفت‌ها و سرزنش‌ها و نیش زبان مادر شوهر پیرم را بشنوم، چون نمی‌خواستم به خانواده فقیرم برگردم و سر بار زندگی آن‌ها شوم». (روزنامه اعتماد، ۲۹-۸-۸۲)

یک زن به اتهام تشکیل خانه فساد، به دستور شعبه ۱۸ دادگاه عمومی قزوین و با تایید دیوان عالی

کشور، در زندان قزوین به دار آویخته شد. (روزنامه قدس، ۶ - ۱۱ - ۸۲)

فائزه «الف» به جرم قتل به دستور قاضی جواد اسماعیلی در شعبه ۱۵۷ دادگاه جنائی تهران به اعدام، زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. (قدس، ۸ - ۱۱ - ۸۲)

### **جمهوری اسلامی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان**

جمهوری اسلامی ایران، از بین ۱۴۹ کشور جهان، در زمینه دموکراسی، در رده ۱۲۷ قرار دارد و در مقیاس آزادی‌های سیاسی کم‌ترین رتبه، یعنی یک را به دست آورده است. یکی از آخرین ارزیابی‌های منتشر شده توسط موسسه بررسی جهانی (WORLD AUDIT) و مقایسه تطبیقی آن با ارزیابی‌های سال‌های گذشته سایر موسسه‌های سیاسی و اجتماعی نشانگر آن است که وضعیت زنان، آزادی بیان، نسبت به سال‌های قبل بسیار وخیم‌تر شده است. اکنون در جدول ارزیابی‌های مختلف جهان در سال ۲۰۰۳، از نظر میزان دموکراسی به معنای عام و با در نظر گرفتن آزادی‌های سیاسی و آزادی مطبوعات، جمهوری اسلامی در میان ۱۴۹ کشور مورد بررسی در ردیف آخر قرار دارد.

لازم به یادآوری است که کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در تاریخ ۲۷ آذر ماه ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹)، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و برای امضاء، تصویب و الحاق کشورها مفتوح گردید. این کنوانسیون از ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد.

#### **ماده یک:**

عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت براساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد.

#### **ماده دوم:**

دول عضو، هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می‌نمایند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف موارد زیر را متعهد می‌شود:

الف - گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط هر کشور،

چنانچه تاکنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب- تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج- برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت موثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح و سایر موسسات دولتی؛  
د- خودداری از انجام هر گونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت های خصوصی؛

و- اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیزند؛

ز- فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می شود.

رژیم جمهوری اسلامی ایران، حتا بر روی کاغذ نیز این کنوانسیون رفع تبعیض از زنان را امضا نکرده است، به همین دلیل یکی از موضوعات مورد بحث جوامع بین المللی بر سر الحاق ایران، به این کنوانسیون است.

نماینده جمهوری اسلامی، در چهل و هفتمین اجلاس کمیسیون زنان ملل متحد، با پاراگراف «خشونت علیه زنان» مخالفت کرد. سازمان ملل، این نهاد را از سال ۱۹۵۶ مامور بحث و بررسی مسایل زنان کرده است.

### **جمع بندی**

سیستم کاپیتالیستی در روند جهانی شدن اقتصادی، همواره در تلاش است که دستاوردهای بشری، در عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را پس بگیرد. در این میان زنان و کودکان بیشترین قربانیان سیاست های نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاست های موسوم به جهانی شدن است. حتا کمیسیون «ابعاد اجتماعی جهانی شدن»، طی گزارش از تاثیرات منفی شدید جهانی شدن بر اقتصاد جهانی شدن، یعنی کاهش رشد اقتصادی و افزایش بی کاری در همه کشورهای جهان اقرار کرده است.

این کمیسیون که اخیرا از سوی سازمان بین المللی کار در ژنو تشکیل شد و ریاست مشترک آن را «تارجا هالولن»، رییس جمهور فنلاند و «بنجامین ویلیام مکاپا» رییس جمهور تانزانیا بر عهده داشتند، در گزارش ۱۶۸ صفحه ای خود که «جهانی شدنی منصفانه»: خلق فرصت برای همه» نام دارد، هشدار داد: جهانی شدن نزد اغلب مردان و زنان، نتوانسته است که آرزوهای ساده و مشروع اشتغالی

آبرومند و آینده‌ای بهتر برای فرزندان آن‌ها را برآورد.

این کمیسیون که اعضای ۲۶ نفره آن را یک برنده جایزه اقتصاد نوپل، سیاستمداران، نمایندگان مجلس و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی شامل می‌شوند، در این گزارش خاطرنشان ساخته‌اند: نگرانی رو به رشدی درباره مسیری که جهانی شدن در زمان حاضر می‌پیماید وجود دارد، امتیازها برای بسیاری در فاصله بعیدی قرار دارد، فساد گسترده شده است، جوامع آزاد با دهشت‌افکنی جهانی مورد تهدید قرار گرفته‌اند و آینده بازارهای جهانی به طور فزاینده‌ای زیر سؤال رفته است...

این گزارش هشدار داده است: روند کنونی جهانی شدن پیامدهای نامتوازی را در داخل کشورها و هم در میان کشورها آفریده است و ثروت ایجاد شده است، اما بسیاری از کشورها و مردم سهمی از مزایای آن ندارند.

این گزارش با اشاره به این که کار و اشتغال برای هرگونه راهبردی در زمینه گسترش مزایای جهانی شدن، امری سیاسی است، افزوده است: تعداد بی‌کاران در جهان به ۱۸۵ میلیون نفر رسیده است که تاکنون به ثبات رسیده است. علاوه بر آن «اقتصاد غیررسمی» به رشد خود ادامه می‌دهد...

۸۸/۲ میلیون نفر از جوانانی که در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال هستند و اغلب آن‌ها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، بیش‌ترین آسیب‌ها را در این زمینه داشته‌اند و میزان بی‌کاری در این کشورها به ۱۴/۴ درصد رسیده است...

در این کشورها مشاغل کم‌تری در دسترس است و به طور هم‌زمان شمار فقرا یا افرادی که روزانه با یک دلار و یا کم‌تر زندگی می‌کنند، در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت و به حدود ۵۵۰ میلیون نفر رسید... (ترجمه به فارسی، ایرنا، هفتم اسفند ۱۳۸۲ برابر با ۲۶ فوریه ۲۰۰۴)

تحقیقات نشان می‌دهد که مجموع درآمدهای ۲۲۵ نفر از ثروتمندان جهان، برابر با درآمد سالانه حدود نیمی از مردم جهان با جمعیتی بالغ بر سه میلیارد نفر است. دارایی ۳ نفر نخست در فهرست ثروت‌مندترین افراد جهان، معادل مجموعه تولید ناخالص داخلی سالانه ۴۸ کشور جهان است که کم‌ترین توسعه یافتگی را دارند و مجموع دارایی ۸۴ نفر از آنان بیش‌تر از تولید ناخالص داخلی چین با ۱/۲ میلیارد نفر جمعیت جهان است. در حال حاضر ۲/۸ میلیارد نفر در سراسر جهان، با کم‌تر از دو دلار در روز زندگی می‌کند.

بنا به گزارش‌های رسمی، اکثریت ارتش بی‌کاران جهان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان و کودکان نیروی کار ارزان به حساب می‌آیند. یکی از کشورهای بی‌کاری و آسیب‌های اجتماعی در آن، به حد انفجار و بحرانی رسیده است، ایران می‌باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در آخرین گزارش خود در اوایل بهمن ماه ۱۳۸۱، اعلام کرده

است، از جمعیت ۶۶ میلیون نفری ایران (۴۲ میلیون شهری و ۲۳ میلیون روستایی) تنها ۱۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر شاغل و جزو جمعیت فعال به شمار می‌روند. یعنی در جامعه حد ۳۰ درصد کار می‌کنند و ۷۰ درصد مصرف‌کننده هستند، یک فاجعه اجتماعی به شمار می‌آید. از سوی دیگر منابع رسمی و تحقیقاتی نشان می‌دهد که از جمعیت ۱۹ میلیونی حدود چهار میلیون بی‌کار و جویای کار هستند. بسیاری از شاغلین کار فصلی و قراردادی دارند و دستمزد ناچیز صدها هزار کارگر نیز به موقع پرداخت نمی‌شود. معلمان، پرستاران، کارگران، به طور کلی همه مزدبگیران و تولیدکنندگان کشور، از کمی دستمزد در رنجند. در این میان شرایط زنان بسیار وخیم‌تر است.

اگر روزنامه‌ها و گزارشات و تحقیقات را ورق بزنیم، به آمارهای تکان‌دهنده خودکشی، اعتیاد و فحشا و فرار از خانه برمی‌خوریم که ریشه در بی‌کاری، فقر و اختناق سیاسی دارد. مثلاً بنا به اظهار سرهنگ شرقی فرمانده انتظامی ارومیه، نیروی انتظامی آذربایجان غربی به منظور مبارزه با «بدحجابی» در ارومیه در شهریور ماه سال جاری، در ۴۰ روز به ۱۳ هزار دختر و پسر بدحجاب تذکر منکراتی داده است. واقعا تحمل این همه فقر و فلاکت اقتصادی و فشارهای سیاسی و اجتماعی سخت و بی‌نهایت دشوار و کمرشکن است. باید با تحمیل مطالبات زنان، در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، گام‌های بلندتری برداشت.

بدین ترتیب، دستاوردی‌های ناچیزی که زنان ایران، در انقلاب مشروطیت کسب کرده بودند، با حاکمیت رضا شاه از دست دادند. همچنین پیشروی زنان، به سوی رهایی و آزادی، با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حاکمیت محمدرضا شاه، بسته شد. بنابراین، در دوران دیکتاتوری خانواده پهلوی، از جنبش‌های مستقل اجتماعی و سیاسی زنان خبری نیست. در واقع ظهور هیولای جمهوری اسلامی و سرکوب خونین انقلاب مردم ایران را باید در سیاست‌ها و عملکردهای اقتصادی سیاسی و اجتماعی دوران پهلوی جست‌وجو کرد. میلیون‌ها زنی که در انقلاب ۵۷، با شور و اشتیاق به خیابان‌ها ریختند؛ در اعتصابات و راهپیمایی‌ها نقش مهمی را در سرنگونی رژیم شاه ایفا کردند، بلافاصله با یورش وحشیانه رژیم روبه‌رو شدند. رژیم جمهوری اسلامی، علاوه بر اتکا به قوانین غیرانسانی اسلامی، پایه‌های گرایش مردسالاری و پدرسالاری را نیز در جامعه و خانواده تحکیم کرد. اکنون ۲۵ سال است که رژیم جمهوری اسلامی، جنایت می‌کند و به ویژه سرکوب سیستماتیک زنان را گسترش می‌دهد. در چنین شرایطی هر درجه از مطالبات زنان به جمهوری اسلامی تحمیل شود، به همان درجه گشایشی نیز در فضای سیاسی و اجتماعی ایران پدید می‌آید که راه پیشروی اجتماعی را برای تحولات سرنوشت‌ساز و رهایی کل جامعه از یوغ و ستم سرمایه‌هموار می‌سازد. از این‌رو وظیفه کلیه انسان‌های آزادی‌خواه و نیروهای جنبش کارگری کمونیستی است که در جنبش‌های بخش زنان حضور فعال و موثری داشته

باشند. امروز آمار و ارقام و واقعیت‌ها نشان می‌دهد که جنبش زنان در ایران، به آن مرحله‌ای از رشد و آگاهی رسیده است که سرکوب آن مانند گذشته، امکان‌پذیر نیست.

بررسی‌های علمی و اجتماعی نشان می‌دهد که تبعیض و خشونت در خانواده نیز متأثر از روابط و مناسبات سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی است و به قول انگلس، در اصل چیزی جز تضاد طبقات اجتماعی نیست. انگلس، عقیده دارد که در درون خانواده، مرد بیش‌تر نقش بورژوا و زن نیز نقش کارگر را ایفا می‌کند. بنابراین در جامعه سوسیالیستی، با دخالت‌گری اجتماعی شهروندان و تغییرات سیستم آموزشی و فرهنگی و تغییر نسل می‌تواند عوامل و ریشه‌های ستم‌کشی بر زن را از بین ببرد و به معنای واقعی تضاد و نابرابری جنسی از جامعه و خانواده رخت بیند.

در جنبش زنان، نه تنها زنان، بلکه همه زنان و مردان برابری طلب و آزادی‌خواه، احزاب چپ و کمونیست و جنبش کارگری باید برای تحمیل مطالبات زنان، به کارفرمایان و رژیم، پیگیر، به طور دائمی و پیگیر مبارزه و تلاش کنند. اما مسلم است که با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی در جامعه کمونیستی است که دیگر هیچ تفاوتی بین زن و مرد باقی نمی‌ماند و همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت و عقیده در فضای آزاد، برابر، عادلانه، مرفه و شاد، در کنار هم زندگی خواهند کرد.

ما به عنوان حزب کمونیست ایران و کومه‌له، همواره وظیفه خود می‌دانیم که برای تغییر نظم موجود به نفع زنان، کارگران و همه انسان‌های محروم و تحت ستم و رهایی زن از کلیه مشقات و ستم‌های مردسالاری، ناسیونالیستی و خرافات مذهبی، در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و جامعه کمونیستی مبارزه کنیم و تاکید می‌نماییم که بدون حضور زنان و دخالت مستقیم آن‌ها در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چنین انقلابی مقدور نخواهد بود.

۱۰ مارس ۲۰۰۴